

ایالات متحده اکنون دشمن غرب است

■ واشنگتن تصمیم گرفته است اوکراین و نقش خود در جهان پس از جنگ را رها کند

مآده زمان قشمی خبرنگار

مارتین ولف، مفسر ارشد اقتصادی فایننشال تایمز، در مقاله‌ای به بررسی رویکرد سیاست خارجی آمریکا در دوره جدید ریاست جمهوری دونالد ترامپ پرداخته است. متن این مقاله را در ادامه از نظر می‌گذرانید.
مطلب ذیل ترجمه و طبیعی است که همه منطق و الفاظ استفاده شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست؛ اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عیناً منتشر می‌شود.



«امروز، آزادی و استقلال در سراسر جهان در معرض خطر قرار دارند. اگر نیروهای متجاوز به‌طور مؤثری مهار و شکست داده نشوند، هیچ آزادی، استقلال و حتی فرصتی برای آزادی برای هیچ کشوری وجود نخواهد داشت.» این سخنان فرانکلین دلانو روزولت در اولین سالگرد منشور آتلانتیک بود که در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ بین او و وینستون چرچیل امضا شد. نیم قرن بعد، با سقوط اتحاد جماهیر شوروی، امید می‌رفت که این آرمان‌ها در بخش بزرگی از جهان تحقق یابند، اما چنین نشد. امروزه تنها حکومت‌های خودکامه با اعتماد به نفس بیشتری عمل می‌کنند، بلکه ایالات متحده هم در حال پیوستن به آنهاست. این، درسی است که از دو هفته اخیر گرفته‌ایم. خطر برای آزادی به اندازه سال ۱۹۴۲ شدید نیست، اما همچنان بسیار واقعی است.

■ سه رویداد کلیدی

سه رویداد برجسته در این مدت رخ داد. اولین رویداد، سخنرانی پیت هگست، وزیر دفاع ترامپ، در ۱۲ فوریه در نشست گروه تماس دفاعی اوکراین در ناتو بود. او به اروپایی‌ها اعلام کرد که اکنون باید روی پای خود بایستند. آمریکا

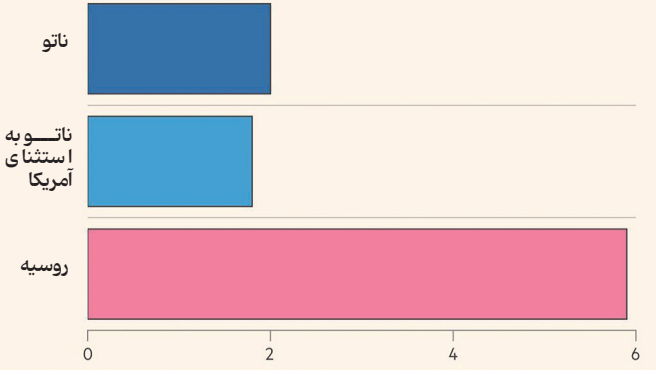
هزینه‌های آمریکا برای جنگ‌های گذشته حمایت از اوکراین را تحت الشعاع قرار می‌دهد

هزینه‌های نظامی در جنگ‌ها در مقابل کمک به اوکراین، میانگین هزینه سالانه به عنوان درصد تولید ناخالص داخلی در آن زمان *



کشورهای غیرآمریکایی ناتو قطعاً می‌توانند هزینه‌های دفاعی خود را به میزان قابل توجهی افزایش دهند

هزینه‌های دفاعی به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۳ (%)



گزارشی از سفر به سوریه و لبنان

ضرورت‌های پژوهشی در میدان مقاومت

حبیب‌الله بابایی رئیس پژوهشکده مطالعات تمدنی و اجتماعی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

جای استادان و پژوهشگران در عرصه «مقاومت» و در میدان مقاومت بسیار خالی است. چندی قبل همراه با برخی از پژوهشگران، برای دومین بار (و شاید آخرین بار) از سوریه و برای چندمین بار از لبنان و عرصه‌های مختلف مقاومت دیدن داشتیم. جای محققان علوم انسانی و حتی علوم اسلامی را در این دنیای مشحون از مسئله‌های فرهنگی و تمدنی خالی دیدیم. محققان و پژوهشگران جهان اسلام به خاطر نگرانی از خطرات احتمالی، حتی برای برخی از همایش‌ها در بیروت و هتل‌های بیروت نیز حضور پیدا نمی‌کنند (نمونه آن را در همایش «تمکین الاسره» در بیروت در اردیبهشت ماه همین امسال مشاهده کردم). همین طور بسیاری از محققان، حضور در سوریه، بیروت، یمن، عراق و غیره را در شأن علمی خود و شایسته برای رزومه خود تلقی نمی‌کنند و لذا آنسبت به مسئله‌های جاری دنیای اسلام احساس مسئولیتی نمی‌کنند و اگر هم بخواهند در این باره نظری بدهند به حدس و گمانه‌های کتابخانه‌ای بسنده می‌کنند.

کسانی که اهل مطالعه «میدان مقاومت» هستند و می‌خواهند استعمارشناسی کنند، مقایسه‌کنند بیمارستان بقیة‌الله تهران را با بیمارستان آمریکایی بیروت در تعهد انسانی‌شان، اینکه چه تعداد از معلولان پیجری مقاومت در بیمارستان آمریکایی، چشم‌هایشان تخلیه، یا دستشان قطع شده و چه تعداد از آن‌ها در تهران علاج شده‌اند؟ و نیز کسانی که در پی «تاریخ فضیلت‌های اخلاقی مسلمانان» و تطورات اخلاقی در تمدن اسلامی می‌روند به جای غوطه زدن در کتابخانه‌ها و کتاب‌های شرق‌شناسان، باید «فضیلت‌های اخلاقی در جهان امروز مقاومت» را هم از نزدیک ببینند تا بتوانند اخلاق و عرفانی جدید در متن

اکنون عمدتاً بر مرزهای خود و چین تمرکز دارد. به بیان دیگر، «حفظ امنیت اروپا باید برای اعضای اروپایی ناتو یک ضرورت باشد». در همین راستا، اروپا باید سهم عمده‌ای از کمک‌های آینده، چه نظامی و چه غیرنظامی به اوکراین را تأمین کند.»

دومین رویداد، سخنرانی جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور آمریکا، در کنفرانس امنیتی مونیخ در ۱۴ فوریه بود. او هشدار داد که «آنچه من را نگران می‌کند، تهدیدی از درون است؛ یعنی عقب‌نشینی اروپا از برخی از اساسی‌ترین ارزش‌های خود، ارزش‌هایی که با ایالات متحده مشترک است.» یکی از نمونه‌هایی که او به آن اشاره کرد این بود که «دولت رومانی به‌تازگی یک انتخابات کامل را لغو کرده است.» اما پاسخ به این ادعا ساده است؛ اروپایی‌ها بهتر از آمریکایی‌ها می‌دانند که وقتی دشمنان آزادی از طریق انتخابات به قدرت می‌رسند، چه اتفاقی می‌افتد. به‌ویژه که رئیس جمهور آنها یعنی ترامپ، خود در تلاش بود تا نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری چهار سال پیش را لغو کند. ضرب‌المثل «دیگ به دیگ می‌گویند رویت سیاه» در اینجا به‌خوبی صدق می‌کند.

سومین و مهم‌ترین رویداد، مذاکرات مربوط به آینده اوکراین است. هگست قبلاً مهم‌ترین خواسته‌های پوتین را پذیرفته بود، از جمله اینکه مرزهای اوکراین باز نخواهند گشتست و این کشور نمی‌تواند به ناتو بپیوندد. اما این تازه آغاز کار بود. مذاکرات مستقیماً بین آمریکا و روسیه انجام شده، آن هم بدون حضور اروپایی‌ها، با وجود اینکه به آنها دستور داده شده هر توافقی را تضمین کنند و از همه مهم‌تر، بدون حضور اوکراین، کشوری که مردمش سه سال تمام تحت جنگ رنج کشیده‌اند. اکنون آمریکا اصرار دارد که روسیه متجاوز نیست، بلکه اوکراین آغازگر جنگ بوده است!

برای تأکید بر شکاف میان آمریکا و اروپا، ایالات متحده به همراه روسیه و

چین در شورای امنیت سازمان ملل به قطعنامه علیه اوکراین رأی داد، در حالی که فرانسه، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی رأی متنع دادند.

■ غرب دیگر مرده است

ترامپ همچنین ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین را یک دیکتاتور خواند. توجیه ترامپ این بود که زلنسکی انتخابات برگزار نکرده است. اما واقعاً چگونه ممکن بود انتخابات در میانه یک جنگ، آن هم با اشغال بخش‌های بزرگی از کشور توسط نیروهای دشمن، برگزار شود؟

■ ترامپ به دنبال یک معامله تجاری است

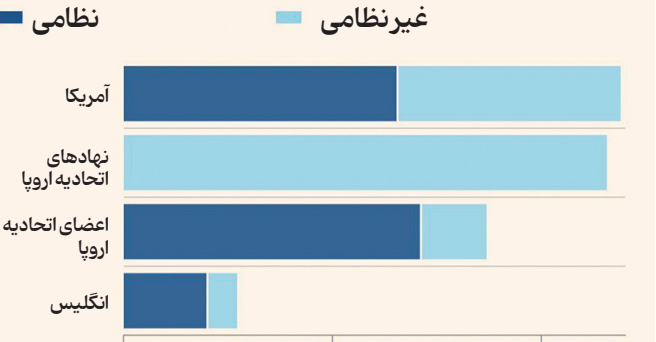
همان‌طور که انتظار می‌رفت، ترامپ این موضوع را به یک معامله تجاری تقلیل داده است. به گفته زلنسکی، اسکاٹ بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا در ابتدا پیشنهاد داده بود که در ازای کمک‌های نظامی گذشته، آمریکا ۵۰ درصد از حقوق بهره‌برداری از منابع معدنی نادر و حیاتی اوکراین را در اختیار بگیرد، بدون اینکه هیچ تعهدی برای کمک‌های آینده ارائه دهد.

به نظر می‌رسد که از دید ترامپ، «دیکتاتور» نه یک فحش، بلکه یک مدال افتخار است. همچنین، برای او، مالکیت یک دارایی ارزشمند در یک کشور دیگر تنها دلیلی است که ممکن است باعث شود آمریکا از آن کشور حمایت کند. اما قضایای چنین مبلغ هنگفتی از کشوری فقیر که درگیر جنگ شده، اوج بی‌شرمی است، به‌ویژه زمانی که این کشور به شدت نیازمند بازسازی است. بدتر اینکه ارزش مطالبات آمریکا تقریباً چهار برابر میزان کمک‌هایی است که ارائه داده است!

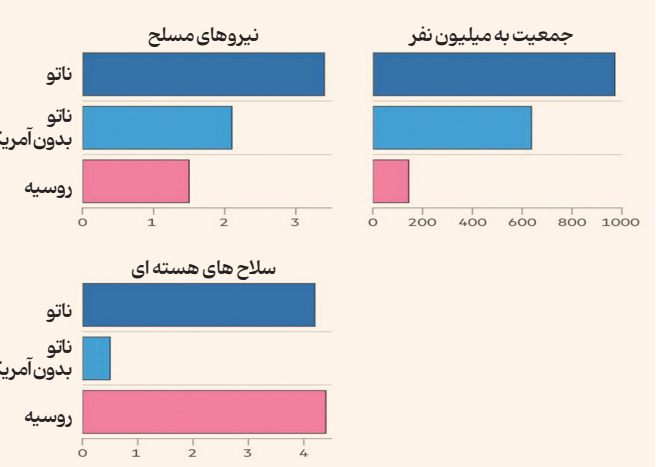
علاوه بر این، طبق ردیاب حمایت از اوکراین در مؤسسه کیل، کمک‌های ارائه‌شده از سوی اروپایی‌ها بیش از کمک‌های آمریکا بوده است. در واقع، بین ژانویه ۲۰۲۲ تا دسامبر ۲۰۲۴، آمریکا تنها ۳۱ درصد از تعهدات

کل کمک های اروپا به اوکراین بسیار بیشتر از کمک های ایالات متحده است

تعهدات حمایت از اوکراین تا دسامبر ۲۰۲۴ (میلیارد یورو)



ناتو در اکثر حوزه‌های نظامی باید با روسیه برابری کند (بدون آمریکا)



میدان بنویسند. در سفر اخیرم به سوریه و لبنان چند مورد پژوهشی نظرم را جلب کرد که آن را می‌توان با کسانی که هوای پژوهش در متن میدان مقاومت (با رویکرد تمدنی) را دارند، پیش نهاد.

۱- بی‌شک در عرصه مقاومت (قبل از ۷ اکتبر و بعد از آن) انسان جدیدی با ویژگی‌های جدید، با توانایی‌های جدید و با فضیلت‌های تازه و پیشرفته‌ای به وجود آمده است. این انسان جدید را نمی‌توان با دستگاه انسان‌شناسی مدرن به چنگ آورد و آن را عمیقاً شناخت. لیکن نهادهای فکری جهان اسلام و اندیشمندان مسلمان نیز هنوز برای شناخت این انسان (انسان‌شناسی مقاومت) اقدامی انجام نداده است، درحالی‌که شکل‌گیری انسان‌شناسی مقاومت در محافل علمی و دانشگاهی دنیای اسلام، می‌تواند راهی به سمت علوم انسانی و مطالعات فرهنگی جدید بگشاید. شورپنخانه باید اذعان کنم حضور علمی و تحقیقاتی حوزه دانشگاه‌در نسبت با حضور نظامی و سیاسی مادر عرصه‌های مقاومت، به نسبت یک به صد هم نمی‌رسد.

۲- یکی از مهم‌ترین موضوعات، ایدئولوژی‌های (به تعبیر خطای جریان‌ات روشنفکری) انضمامی و عینی در صحنه مقاومت است. برخی از پژوهشگران برای علمی و آکادمیک نشان دادن گفته‌های خود، سعی می‌کنند دامن خود را از هر بحث ایدئولوژیک و نیز مباحث الهیاتی دور نگه دارند، ولی واقعیت میدان مقاومت نشان می‌دهد آنچه که واقعیت امروز را شکل می‌دهد، مقاومت را شکل می‌دهد، ادبیات و شعار مقاومت را می‌سازد، و نظم منطقه‌ای را به چالش می‌کشد، ایدئولوژی‌ها هستند. هر جابه اصطلاح ایدئولوژی وجود دارد (مثل بنظیر، مثل صور، مثل صیدا) میدان مقاومت شکل گرفته و هر جا فارغ از ایدئولوژی است، میدانی هم به وجود نیامده است. حال سؤال این است که آیا می‌توان میدان ایدئولوژیک مقاومت را فارغ از ادبیات ایدئولوژیک

^[1] تحلیل کرد؟ هرگز! البته این بدان معنا نیست که واقعیت میدان را باید با ادبیات ایدئولوژیک توجیه کرد، بلکه بدین معناست واقعیت میدان که هیت ایدئولوژیک دارد، با ادبیات سکولار نهی از مبانی و نگاه ایدئولوژیک به‌درستی تبیین و تفسیر نخواهد شد.

^[2] مسئله بعدی که احتمالاً فضای مقاومت در این جهت ضعیف شده و اگر این احتمال درست باشد، باید نسبت به آن عمیقاً نگران بود، کم‌فروغ شدن معنویت و دعا در برخی از عرصه‌های مقاومت است. قابل انکار نیست که اصل نرم‌افزار مقاومت، توکل و تضرع به درگاه خدای متعال و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) است. باید بین میدان مقاومت و سطح دشمنی‌های دشمن در یک طرف و سطح و میزان توسل و تضرع در مقاومت، تناسبی وجود داشته باشد، لیکن با گشت‌وگذارهایی در میدان مقاومت، می‌توان گفت گویا چنین توازن و تناسبی از بین رفته است. نمونه این فقدان تناسب نه فقط در لبنان و سوریه، بلکه امروز در مساجد و محافل مذهبی ایران نیز دیده می‌شود.

^[3] مسئله بعدی در میدان مقاومت را باید در «اتوع در صف مقاومت» دید که در آن طیف وسیعی از جریان مقاومت حضور یافته است. مذاهب مختلف شیعی و سنی، ادیان مختلف از اسلام و مسیحیت، ملیت‌های گوناگون از ایرانی و عربی همه امروز در صف مقاومت حضور یافته‌اند. این تنوع می‌تواند چنین سؤالی را ایجاد کند که آیا مقاومت در برابر نظام صهیونیسم، یک مقاومت انسانی و اخلاقی مشترک بین اسلام و مسیحیت و بلکه دینداران و غیردینداران است (مقاومت جهانی و شاید فاقد خلوص)، یا اینکه مقاومت مستضعفان یک مقاومت دینی و یا مذهبی (مقاومت مستضعفان صالح) به شمار می‌رود.

^[4] انتخاب هر یک از این گزین‌ها، ظرفیت‌های مهم و البته چالش‌های مهمی را می‌تواند ایجاد کنند.

دوجانبه و ۴۱ درصد از تعهدات نظامی به اوکراین را تأمین کرده است. با این حال، اروپا در این مذاکرات هیچ نقشی ندارد و ترامپ خودش برای اوکراین و اروپا تصمیم می‌گیرد. در مجموع، ایالات متحده تنها ۰.۱۹ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را برای کمک‌های نظامی به اوکراین هزینه کرده؛ رقمی ناچیز در مقایسه با هزینه‌های جنگ‌های گذشته آمریکا. در مقابل، این کشور نه تنها یک دشمن قدیمی را تحقیر کرده، بلکه از آرمان‌های دموکراسی لیبرال دفاع کرده، همان آرمان‌هایی که اوکراینی‌ها برای آن می‌جنگند و آمریکا زمانی برایشان جنگیده بود.

■ دو حقیقت آشکار شدند

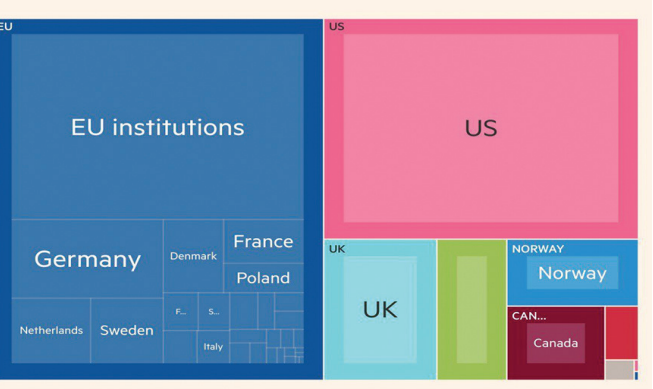
این دو هفته گذشته دو واقعیت را روشن ساختند.

۱- آمریکا تصمیم گرفته نقش جهانی خود را که از جنگ جهانی دوم برعهده گرفته بود، کنار بگذارد. با بازگشت ترامپ به کاخ سفید، آمریکا به جای دفاع از آرمان‌های آزادی و دموکراسی، تنها به دنبال منافع کوتاه‌مدت و مادی خود است. این تصمیم پسپاری از ارزش‌هایی را که آمریکا زمانی از آنها حمایت می‌کرد، به حال خود رها می‌کند، از جمله حقوق کشورهای کوچک و خود دموکراسی. این تغییر هم راستا با تحولاتی است که در داخل آمریکا در حال رخ دادن است، جایی که نظام رفاهی ایجاد شده در دوران نیودیل و جامعه قانون‌مدار مبتنی بر قانون اساسی در معرض خطر نابودی قرار گرفته‌اند.

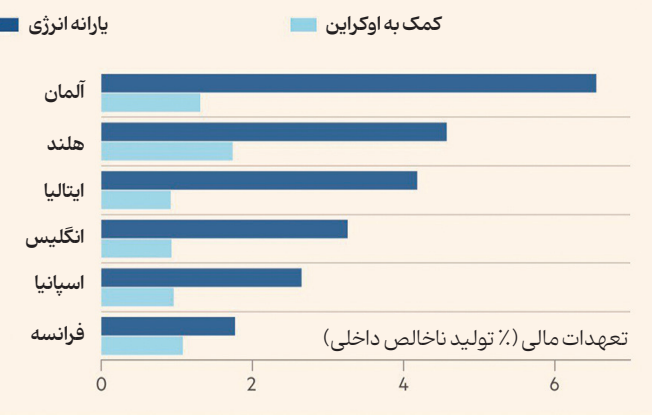
۲- اروپا باید یا به این چالش پاسخ دهد یا از هم پناشد. اروپایی‌ها باید همکاری‌های خود را در چهارچوبی قوی‌تر و مبتنی بر اصول لیبرال و دموکراتیک گسترش دهند. اگر این کار را نکنند، توسط قدرت‌های بزرگ جهان تکه‌تکه خواهند شدند. آنها باید با نجات اوکراین از دست پوتین، این مسیر را آغاز کنند.

ایالات متحده مبالغ هنگفتی را به اوکراین ارائه نمی‌کند

ارزش کل تعهدات انباشته (میلیارد یورو)



یارانه‌های انرژی اروپا حمایت از اوکراین را تحت الشعاع قرار می‌دهند



۱- دیپلماسی علمای اسلام مخصوصاً بین حوزه‌های علمیه در ایران با علمای جهان اسلام برای بسیج ظرفیت‌های دینی در امر مقاومت یکی از ضرورت‌ها در جهان مقاومت است. حوزویان و شورای عالی حوزه نمی‌تواند جهان مقاومت را کنترل از راه دور کند. از این رو، بین الملل حوزه، باید عرصه مقاومت را در اولویت دانشی و معرفتی قرار بدهد و نسبت به رصد مسئله‌های میدان اهتمام بورزد و غفلت از این موضوع را بر خود حرام گرداند.

۲- مسئله آوارگان سوری و لبنانی و نیز مسئله مهاجران سوری و لبنانی (دیسپورا) و خصوصاً مغتربین و کسانی که در غرب ساکن شده‌اند (که بیشتر آن‌ها چه بسا از شیعیان باشند) و نیز آینده نسل جدید و نیز زنان در دنیای آوارگی و آوارگان از جمله موارد بسیار مهمی است که پژوهشگران عرصه «مقاومت و تمدن» باید به آن بپردازند. البته آوارگی در سوریه و لبنان، هرچند نوعی از بزرادری، همدلی و همدردی در میان مقاومت را به نمایش می‌گذارد، لیکن آسیب‌های بسیار دردناکی را می‌تواند برای آینده نسل مقاومت ایجاد کند.

۳- آینده مقاومت خصوصاً حزب‌الله بعد از شهادت سید حسن نصرالله و ظهور نسل سوم از حزب‌الله است. نسل سوم حزب‌الله، نسل جدیدی است که مسلط بر فناوری و معتقد به جنگ الکترونیک است. عن‌قرب با نسلی جدید در حزب‌الله و در مقاومت مواجه خواهیم شد که به جای موشک، باریز پرند‌ها به جنگ اسرائیل خواهد رفت. این نسل ظرفیت‌های جدیدی در ایستادگی و احتمالاً چالش‌های تازه‌ای به لحاظ هویتی خواهد داشت. اینکه علاوه بر فناوری نظامی حزب‌الله، آیا این نسل می‌تواند ظرفیت‌های معنوی حزب‌الله را همچنان داشته باشد و خلاهای معنوی حاصل از شهادت فرامند‌هانی مانند سید حسن نصرالله و نیز اعتبار ملی و فراملی حزب‌الله را در جهان مقاومت نگاه دارد یا نه، از مسئله‌های مهم برای آینده مقاومت به شمار می‌رود.